

تعهدات عربستان سعودی در قبال زائران و حج گزاران در آینه شریعت، حقوق داخلی و حقوق بین الملل

مصطفی فضائی*

چکیده

حقوق اتباع خارجی و بیگانگان، از کهن ترین مسائلی است که در عرصه روابط فراملی و بین المللی مطرح بوده است. در این میان کسانی که برای مقاصد علمی، فرهنگی و مذهبی به کشورهای دیگر سفر می کنند، حرمت و احترام خاصی خواهند داشت؛ همچنان که مراکز علمی، فرهنگی و مذهبی نیز که مرجع و ملجأ آدمیان از نقاط گوناگون جهان اند، شأن ویژه ای می یابند و مورد تعلق خاطر فراملی و بین المللی قرار می گیرند و بدین سبب جایگاهی بین المللی می یابند. امروزه برخی اماکن همچون بیت المقدس و مسجدالاقصی، از چنان موقعیتی برخوردارند که پیروان همه ادیان آسمانی نسبت به آن احساس علقه معنوی دارند. مکه مکرمه نیز نزد همه ادیان ابراهیمی، مکانی قدسی شناخته می شود و امنیت، آرامش و آسایش ساکنان و زائران آن، موضوع دعای ابراهیم و اراده خداوند بوده است. چنین موقعیتی برای دولتی که این اماکن در قلمرو آن واقع شده است، تعهداتی به بار می آورد؛ هم در پاس داری و نگاه داری از آن و هم در تأمین دسترسی ایمن و مطمئن برای افراد و اشخاص ذی نفع از هر قوم و ملتی. بررسی تعهدات اولیه دولت عربستان سعودی در برابر زائران و حج گزاران از منظر شریعت، حقوق داخلی و بین المللی، موضوع نوشتار حاضر است.

واژگان کلیدی: تعهدات عربستان سعودی، حج، شریعت، حقوق داخلی، حقوق بین الملل.

* دانشیار گروه حقوق بین الملل دانشکده حقوق دانشگاه قم (fazaeli2007@gmail.com)

(m-fazaeli@qom.ac.ir).

مقدمه

در عرصه روابط فراملی و بین‌المللی، وضعیت بیگانگان و اتباع خارجی از دیرباز محل توجه بوده است و حقوق بیگانگان از کهن‌ترین مسائل حقوقی مطرح در این عرصه به‌شمار می‌رود؛ تا آنجا که حتی پیش از شکل‌گیری دولت در مفهوم جدید آن، در روابط میان اقوام و ملل مسئله چگونگی رفتار با افراد متعلق به قوم و ملت دیگر مطرح بوده است. نهاد کنسولی که به‌منظور حمایت از اتباع در خارج پدید آمده، از جمله نهادهای حقوقی بین‌المللی است که ریشه در دوران باستان و دولت‌شهرهای یونان دارد و به‌منظور حمایت از حقوق بازرگانان خارجی شکل گرفته است. با پیدایش دولت‌های مستقل به‌مفهوم امروزی، پیش از ورود مقوله حقوق بشر به عرصه حقوق بین‌الملل، به حقوق بیگانگان بسیار توجه شده است. درحالی‌که اصولاً رفتار هر دولت با شهروندان خود و افراد ذیل حاکمیت و صلاحیتش، موضوعی داخلی تلقی می‌شده است، ولی دولت‌ها نسبت به حقوق اتباعشان در دیگر کشورها حساسیت داشته‌اند و خود را به حمایت از آنان موظف دانسته‌اند. در این باره حقوق بین‌الملل تعهداتی را به عهده کشور میزبان نهاده است. این تعهدات به‌ویژه در مواردی که تبعه خارجی برای مقاصد متعالی مانند مقاصد علمی، فرهنگی و معنوی به کشور میزبان سفر کرده باشد، اهمیت فراوانی می‌یابد؛ از این رو کسانی که برای مقاصد علمی همچون تحصیل دانش، انجام پژوهش‌های علمی، فعالیت‌های فرهنگی و مذهبی به مراکز علمی، فرهنگی و دینی کشورهای دیگر سفر می‌کنند، حرمت و احترام خاصی خواهند داشت؛ چنان‌که مراکز علمی، فرهنگی و مذهبی نیز که مرجع و ملجأ آدمیان از نقاط گوناگون جهان‌اند، شأن و موقعیت ویژه‌ای می‌یابند؛ به‌گونه‌ای که مورد تعلق خاطر فراملی و بین‌المللی قرار گرفته، بدین سبب جایگاهی بین‌المللی می‌یابند و در زمره میراث مشترک مادی، فرهنگی و معنوی جهان به‌شمار می‌آیند. چنین موقعیتی برای دولتی که این اماکن در قلمرو آن واقع شده است، تعهداتی را هم در پاس‌داری و نگاه‌داری از این اماکن و هم در تأمین دسترسی ایمن و مطمئن برای افراد و اشخاص ذی‌نفع از هر قوم و ملتی به‌بار می‌آورد.

امروزه برخی اماکن همچون بیت‌المقدس و مسجدالاقصی، از چنان موقعیت و جایگاهی برخوردارند که پیروان همه ادیان آسمانی نسبت به آن احساس علقه معنوی

دارند. مکه مکرمه نیز نزد همه ادیان ابراهیمی، مکانی قدسی شناخته می‌شود؛ سرزمینی که حرمت و قداستش بس دیرینه است و حتی به پیش از هبوط آدم بر زمین بازمی‌گردد؛ از این رو بر حفظ حرمت و قداست این اماکن تأکید شده و تأمین امنیت، آرامش و آسایش در این مکان‌ها برای ساکنان و نیز برای زائران آن همواره محل توجه بوده است. از منظر حقوق بیگانگان، علاوه بر حقوقی که به‌طور عام برای اتباع خارجی شناخته شده است، زائران اماکن مذهبی که برای ادای فریضه دینی، مناسک و مراسم مذهبی به کشوری سفر می‌کنند، از حرمت و احترام ویژه‌ای برخوردارند و استحقاق حمایت و اهتمام فوق‌العاده در تأمین امنیت، سلامت، آرامش و آسایش دارند. از منظر حقوق بشر، اولاً، پیروان ادیان و مذاهبی که چنان اماکنی به دین و مذهب آنان تعلق دارد، در اعمال حقوق مذهبی خود باید دسترسی آزاد، ایمن و مطمئن به اماکن یادشده و آزادی و امکان انجام مناسک و مراسم مورد نظر را داشته باشند؛ ثانیاً، در طی سفر و اقامت در کشور محل وقوع آن اماکن، حقوق انسانی آنان کاملاً محترم شمرده شود. در این باره هم دولت‌های متبوع افراد و هم دولت میزبان، به فراهم‌سازی ترتیبات مقتضی و به‌کارگیری اقدامات لازم و شایسته متعهدند.

سوگ‌مندانه باید گفت در موارد فراوانی از گذشته‌های دور تاکنون، این حرمت درباره مکه معظمه، زائران و حج‌گزاران، پاس داشته نشده است و در اثر حوادثی ارادی یا غیرارادی و از روی تقصیر یا قصور، بارها هتک شده، تخریب شده، به آتش کشیده شده، جان، مال و حیثیت انسانی حاجیان و زائران این حرم الهی دستخوش تعرض قرار گرفته است. برخی از این حوادث طی حکومت آل سعود بر حرمین شریفین رخ داده است که شاید فاجعه‌بارترین آنها حوادثی است که در سال ۱۳۹۴ اتفاق افتاد. واقعه دلخراش سقوط جرنقیل در مسجدالحرام که به کشته‌شدن بیش از هزار نفر منجر شد و اسف‌انگیزتر، حادثه منا بود که در نتیجه آن، به‌شکل بی‌سابقه‌ای چند هزار نفر از حج‌گزاران در شرایطی بسیار رقت‌آور و در شدت گرما، با فرط تشنگی در تنگنایی که امکان هیچ اقدامی نداشتند و اراده هرگونه انتخابی از آنان سلب شده بود، در مرئی و منظر مأموران و عوامل حج دولت سعودی تسلیم مرگ شدند.^۱

۱. برای اطلاع از حوادث رخ داده در مراسم حج سال‌های گوناگون، به سایت‌های ذیل می‌توان مراجعه

حوادثی از این دست ابعاد گوناگون امنیتی، سیاسی و حقوقی دارد و از زوایای متفاوتی قابل تحلیل و بررسی است. از نگاه حقوقی، موضوعات مرتبط با این حوادث و مسائل ناشی از آن را در بستر فقه و حقوق داخلی و بین‌المللی می‌توان مطالعه و تجزیه و تحلیل کرد. از منظر حقوق بین‌الملل، پرسش‌های عمده‌ای قابل طرح است؛ مثلاً دولت حاکم بر عربستان که مکه مکرمه در قلمرو آن واقع شده است، بر اساس اصول، قواعد و مقررات حقوقی بین‌المللی مشمول چه نوع تعهداتی نسبت به اداره این مکان مذهبی مقدس و زائران و حج‌گزاران است؟ در ازای حوادثی همچون آنچه در مراسم حج سال ۱۳۹۴ (۱۴۳۶ق) در منا رخ داد، چه مسئولیتی می‌تواند متوجه دولت سعودی باشد؟ در صورت توجه مسئولیت بین‌المللی، آثار این مسئولیت و راه‌های پی‌گیری آن چه خواهد بود؟

به منظور پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها، بحث و بررسی در سه زمینه لازم می‌نماید:

— تتبع در منابع فقه و حقوق داخلی و بین‌المللی برای اثبات تعهدات دولت سعودی در برابر دنیای اسلام و جامعه بین‌المللی درباره حج و حج‌گزاران؛

— بررسی مسئولیت این دولت در قبال حادثه منا و حوادثی مانند آن؛

— آثار مسئولیت و راه‌های جبران خسارت‌های مادی و معنوی ناشی از هرگونه قصور یا تقصیر در ایفای تعهدات مسلم این دولت.

آنچه مقاله پیش رو در پی آن است، تبیین تعهدات اولیه‌ای است که درباره حج و حج‌گزاری متوجه دولت عربستان سعودی است، اما مسئولیت ناشی از نقض این تعهدات و راهکارهای حقوقی و ضمانت‌اجراهای آن، پژوهشی مستقل را می‌طلبد؛ هرچند نوشتار حاضر، اشارات و پیشنهادهایی در این باره دارد. به عبارت دیگر موضوع این پژوهش، تعهدات اولیه و نه تعهدات ثانویه عربستان است.^۱

کرد:

www.ibtimes.co.in/haj-stampede-2015-timeline-deadliest-accidents-during-muslim-pilgr

image-mecca-647891.

[www.qura-islam-org/main-topics/islam/pillars/al-hajj/stoning-tragedies- \(p.1321\) html](http://www.qura-islam-org/main-topics/islam/pillars/al-hajj/stoning-tragedies- (p.1321) html).

www.bbc.com/persian/world/2015/09/150924_147_vid_haj_incidents_timeline.

۱. برای مطالعه درباره تمایز میان تعهدات اولیه و ثانویه دولت‌ها، به سایت ذیل می‌توان مراجعه کرد:

هر دولتی نسبت به حفاظت و تأمین امنیت تمامی اتباع خارجی در محدوده سرزمینی خود، تعهد کلی دارد (ر.ک: کارو، ۱۳۸۴، ص ۳-۱۴۲)، ولی تعهدات تفصیلی دولت‌ها در قبال اتباع خارجی و بیگانگان را در منابع حقوقی داخلی و بین‌المللی می‌توان یافت. از آنجاکه حقوق داخلی عربستان مبتنی بر شریعت اسلام است، وظایف و تعهدات این دولت درباره حج‌گزاران و زائران، هم بر اساس شریعت و حقوق داخلی و هم حقوق بین‌الملل بررسی خواهد شد.

۱. تعهدات دولت عربستان بر اساس شریعت و حقوق داخلی

در این مبحث به منظور تعیین تعهدات دولت عربستان از منظر شریعت و حقوق داخلی این کشور، نخست به بررسی جایگاه قوانین شریعت در حقوق داخلی عربستان پرداخته شده، سپس معیار تابعیت و مفهوم بیگانه از منظر اسلام تبیین گردیده تا روشن شود که با مسلمانان دست کم در موسم حج نباید به مثابه بیگانگان رفتار شود و آن‌گاه به بررسی برخی مقررات داخلی عربستان در باره حرمین شریفین و حج‌گزاران پرداخت می‌شود.

۱-۱. قوانین شریعت در حقوق داخلی عربستان

دولت‌ها معمولاً بنا به ملاحظات انسانی و نوع دوستانه و نیز در جهت منافع و مصالح خود، در قوانین و مقررات داخلی خویش حقوقی را برای اتباع خارجی و بیگانگان به رسمیت می‌شناسند و به‌عهده می‌گیرند و به تبع اشخاص خارجی می‌توانند به استناد آن قوانین و مقررات، حقوقی را مطالبه کنند و در صورت نقض به ضمانت اجرای داخلی آن کشور و در طول آن به ضمانت اجرای بین‌المللی (حمایت دیپلماتیک) توسل جویند.

در مورد عربستان باید گفت قوانین مدوئی که به‌طور مستقل و به تفصیل به بیان وضعیت و حقوق اتباع خارجه در این کشور پرداخته باشد، وجود ندارد،^۱ بلکه اصولاً

www.http://James Crawford,2002,AJIL, vol.96: 876-879; James Crawford,2013: 64-66.

۱. البته مقرراتی درباره شرایط و چگونگی دریافت رواید ورود به کشور عربستان وجود دارد که نسبتاً

قانون رسمی عربستان سعودی، شریعت اسلام با گرایش به مکتب فقهی (حقوقی) حنبلی است؛ همان‌گونه که ملک عبدالعزیز در سال ۱۹۲۶م متون فقهی حنبلی وهابی را اساس سیستم حقوقی دولتش قرار داد. در حال حاضر نیز ماده نخست قانون اساسی این کشور، قرآن کریم و سنت پیامبر را قانون اساسی عربستان سعودی اعلام کرده است.^۱ مواد متعدد این قانون، جایگاه شریعت و فقه اسلامی مبتنی بر کتاب و سنت را به عنوان منبع حقوق کشور، تصریح و تأکید کرده است و محاکم قضایی را به اجرای قواعد شریعت مطابق آنچه در قرآن و سنت آمده، ملزم دانسته است. البته فرامین و قوانین

سخت‌گیرانه است و تخلف از آن نیز مجازات‌های سنگینی به دنبال خواهد داشت. اصولاً دریافت ویزای ورود به عربستان برای غیر از امور تجاری - به‌ویژه برای کار و استخدام - دشوار است. اقامت پس از پایان مدت ویزا، شخص را در معرض زندان، اخراج اجباری، ممنوعیت ورود به این کشور برای مدت سه سال و جریمه نقدی به‌ازای هر روز پنجاه ریال سعودی قرار می‌دهد (ر.ک: باقری و متقی، ۱۳۹۱، مندرج در پایگاه اطلاعاتی کارگزاران حج، مورخ ۲۰ دی ۱۳۹۴، به‌آدرس: www.https://kargozaran.haj.ir/news/GetFile.ashx?id=28d1bee59-6d94-40e2).

۱. ماده نخست قانون اساسی عربستان سعودی اعلام می‌دارد: «پادشاهی عربستان سعودی یک کشور مستقل عربی است با مذهب رسمی اسلام. کتاب خدا و سنت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) قانون اساسی آن است. زبانش عربی و ریاض پایتختش می‌باشد». گفتنی است عربستان تا سال ۱۹۹۲م فاقد قانون اساسی مدون و پارلمان بود و حاکمان آن بنا بر ادعا، بر اساس قرآن و سنت حکم می‌راندند. البته برخی قوانین و مقررات در سال ۱۹۲۶م در حجاز صادر شد و در ۱۹۵۳م نیز تعدادی تصویب‌نامه صادر گردید و بعدها نیز ملحقاتی بدان افزوده شد که مجموعاً قوانین موجود عربستان را تشکیل می‌داد. همچنین عربستان تا سال ۱۹۹۲م فاقد پارلمان بود. در این سال، ملک فهد شورای مشورتی متشکل از شصت نفر را منصوب کرد که شمار اعضای این شورا در سال ۱۹۹۷م به نود و در سال ۲۰۰۱م به ۱۲۰ عضو افزایش یافت. البته این مجلس همانند مجالس قانونگذاری متداول در دنیا نیست؛ زیرا فقط نقش مشورتی و نمادین دارد؛ بنابراین منابع حقوقی عربستان، همان فقه اسلامی است که شامل قرآن، حدیث، اجماع صحابه و قول صحابه است که موافق کتاب و سنت باشد. در کنار آن، برخی قوانین مدون در حوزه‌هایی مانند معادن نفت و طلا و انعقاد قراردادهای گوناگون با دیگر دولت‌ها - عمدتاً دولت‌های غربی - و مسائل اداری، برحسب ضرورت، قوانین و مقرراتی تدوین شده است که به‌وسیله شورای وزیران تنظیم شده، با فرمان پادشاه تصویب و تنفیذ می‌گردد. گفتنی است شورای وزیران شامل چهل نفر می‌باشد که همه از میان شاهزادگان سعودی به‌وسیله پادشاه برای چهار سال منصوب می‌گردند و انتصاب مجدد آنان نیز ممکن است (برای مشاهده متن قانون اساسی عربستان، می‌توان به «The Basic Law of Governance» مندرج در پایگاه اطلاعاتی ذیل مراجعه کرد:

www.Saudiembassy.net/about/country-information/Laws/the-Basic-Law-of-Governance.

صادره از سوی حاکم که با کتاب و سنت مغایر نباشد نیز لازم‌الرعايه است (ماده ۴۸ قانون اساسی عربستان). به عبارت دیگر منبع اصلی حقوق عربستان سعودی، شریعت است و حقوق، تکالیف اشخاص، جرایم و مجازات‌ها با استناد به شریعت معین می‌گردد (ماده ۳۸ قانون اساسی عربستان). البته در کنار قوانین شریعت، برخی مقررات سازمانی یا اداری نیز وضع شده است که طبعاً به اموری مربوط می‌شود که در شریعت حکمی برای آنها نمی‌توان یافت؛ بنابراین از آنجاکه این دولت خود را به شریعت اسلامی ملتزم معرفی می‌کند و ادعا می‌شود در محاکم این کشور، قضات بر اساس احکام فقهی به دادرسی و اصدار رأی اقدام می‌کنند، درباره حقوق و وضعیت اتباع خارجی در این کشور، به‌ویژه زائران و حج‌گزاران نیز باید به احکام و موازین شرع مقدس اسلام متعهد باشند. افزون‌براینکه قانون اساسی این کشور نیز اعلام داشته است که دولت در ساختن اماکن مقدس و خدمت به آن می‌کوشد و امنیت و آسایش را برای کسانی که به‌منظور انجام مناسک حج و عمره می‌آیند، با ارائه تسهیلات و تأمین آرامش فراهم می‌سازد (ماده ۲۴ قانون اساسی عربستان)؛ از این‌رو اکنون مناسب است هرچند به اختصار، به این موازین و احکام اشاره‌ای داشته باشیم تا نوع تعهدات دولت عربستان در این‌باره روشن گردد.

یکی از پرسش‌هایی که در این‌باره به ذهن می‌رسد اینکه آیا اساساً مسلمانانی که از نقاط گوناگون جهان برای انجام مناسک حج یا عمره به سرزمین وحی سفر می‌کنند، بیگانه محسوب می‌شوند؟ یا مطابق قواعد کتاب و سنت، زائران و حج‌گزاران را هرگز نمی‌توان بیگانه و خارجی به‌شمار آورد، بلکه در حرم الهی هیچ تفاوتی میان مقیم و مسافر وجود ندارد؛ بدین‌منظور اشاره به موازین تابعیت در اسلام، مناسب می‌نماید.

۲-۱. معیار تابعیت و مفهوم بیگانه از منظر اسلام

در نگاه فقهی، تابعیت دولت اسلامی با دو معیار تعیین می‌گردد: «ایمان» و «پیمان». بر اساس موازین دینی، آحاد مسلمانان در سراسر دنیا شهروند دولت اسلامی محسوب می‌شوند و از حمایت‌های این دولت به‌طور یکسان برخوردارند. به عبارت دیگر تابعیت اصلی در فقه اسلامی، تابعیت اُمی است (ماوردی، [بی‌تا]، ص ۱۴۱)؛ یعنی هر مسلمان

به واسطه اینکه عضوی از امت اسلام است، تبعه دولت اسلامی به شمار می آید؛ از این رو عربستان که خود را دولتی اسلامی می داند، باید با همه مسلمانان، به ویژه آنانی که به منظور انجام مراسم و مناسک حج به این کشور سفر می کنند، رفتاری یکسان و همسان با مسلمانان حجاز و منطبق با احکام نورانی و آموزه های وحیانی دین مبین اسلام داشته باشد. آیه شریفه قرآن کریم که می فرماید: «... الَّذِي جَعَلَنَا لِلنَّاسِ سَوَاءَ الْعَاكِفُ فِيهِ وَالْبَادِ...» (حج: ۲۵)، مشعر به همین معناست. با استناد به این آیه شریفه می توان گفت به رغم اینکه امروزه مرزهای جغرافیایی — سیاسی و تعدد دولت ها حتی در سرزمین های اسلامی به رسمیت شناخته شده است و به همین دلیل تابعیت ملی جای تابعیت اُمی را گرفته است (ماوردی، [بی تا]، ص ۱۴۱)، مسلمانان در قلمرو کشورهای اسلامی از حقوق و رفتاری یکسان برخوردار می گردند. شاید بتوان آن رویکرد آزادمنشانه ای را که بر پایه طرز تفکر فلسفی و اخلاقی (اصل رفتار ملی) در اواخر قرن نوزدهم میلادی مورد قبول عموم علمای حقوق آن زمان قرار گرفت و در قوانین برخی کشورهای متمدن نیز رسوخ کرد (نصیری، ۱۳۷۵، ص ۹۰—۹۱)، با رویکرد متعالی اسلام قابل قیاس دانست؛ زیرا نظام های مبتنی بر تفکر فلسفی و اخلاقی، اصولاً برای خارجی ها همان حقوقی را قائل اند که قانونگذار برای اتباع داخلی شناخته است (همان، ص ۹۱). اگرچه ممکن است گفته شود این رویکرد فلسفی — اخلاقی در حقوق بین الملل جای خود را به نظریه حداقل حقوق داده است که بر اساس آن، وضعیت و حقوق اتباع خارجی، نه بر پایه اصل رفتار ملی، بلکه بر مبنای اصول و قواعد بین المللی حقوق بشر تعیین می گردد که دارای حداقل حقوق لازم الرعایه برای همه افراد انسانی در قلمرو هر دولتی است، ولی هدف از تأکید بر حداقل حقوق، جلوگیری از فروکاستن حقوق به کمتر از این حداقل هاست، نه مخالفت با بیش از آن؛ به گونه ای که حتی برخی اسناد بین المللی حقوق بشر تصریح دارند بر اینکه دولت هایی که استانداردهای ملی پیشرفته تری دارند، نباید آنها را به سطح این حداقل ها کاهش دهند، ولی به هر جهت و به طور قطع و یقین می توان گفت مسلمانان با هر تابعیتی، دست کم در دسترسی به حرم الهی و سفر و اقامت در آن به منظور انجام آیین و مناسک حج، هیچ تفاوتی با یکدیگر ندارند. به عبارت دیگر حرم، منطقه آزاد و قلب جهان اسلام دانسته شده است و مسلمانان نسبت

به آن به طور یکسان صاحب حق شناخته شده‌اند؛ به گونه‌ای که حتی بسیاری از فقیهان اهل سنت، از جمله عبداللہ بن عمر، خرید و فروش خانه‌های مکه را حرام و اجاره دادن و مال‌الاجاره آن را نامشروع دانسته‌اند.^۱ این رویکرد آشکارا مقتضای ادله و نصوص شرعی و مورد تأیید و تأکید فقیهان و دانشیان شریعت اسلامی است و اصول و معیارهای حقوق مذهبی شناخته‌شده در نظام بین‌المللی حقوق بشر نیز آن را اقتضا می‌کند که در جای دیگر این مقاله بدان پرداخته خواهد شد.

براین اساس رواداشتن هرگونه تبعیض میان مسلمانان در انجام مناسک حج، اعم از اصل دسترسی به حرم الهی یا در تخصیص امکانات و تسهیلات مقتضی، بر مبنای ملیت، مذهب، زبان، نژاد و... مغایر با موازین شریعت اسلام و ناقض اصول و قواعد حقوق بشری خواهد بود. البته در مقررات عربستان سعودی، درباره حج تعبیری وجود دارد که مشعر به رفتار یکسان با همه حج‌گزاران با هر تابعیت و ملیتی است؛ آنجا که مضمونی این‌گونه را مقرر می‌دارد: «مسلمانان سایر کشورها که برای انجام مناسک حج شرکت می‌کنند، پس از پایان مناسک، خارجی به‌شمار می‌آیند» (اسداللهی، ۱۳۹۱، ص ۲۰). این تعبیر به مقتضای مفهوم مخالفش براین امر دلالت دارد که طی انجام آیین و مناسک حج، همه زائران و حج‌گزاران، گویی تبعه دولت میزبان‌اند و یکسان مورد حمایت و همسان برخوردار از امکانات، تسهیلات، امنیت و آرامش مقتضی خواهند بود. باتوجه به مطالب پیش‌گفته، معیار دیگر تابعیت دولت اسلامی، پیمان است و بدین معناست که پیروان دیگر ادیان ابراهیمی می‌توانند به موجب قراردادی به نام «پیمان ذمه»، در سرزمین اسلامی و تحت حمایت دولت اسلامی زندگی کنند و درقبال آن مالیاتی باعنوان جزیه بپردازند که متناسب با شرایط و استطاعت آنان تعیین می‌شود

۱. دارقطنی از عبداللہ عمر در حدیثی این‌گونه نقل کرده است: «مَنْ أَكَلَ كِرَاءَ بُيُوتِ مَكَّةَ أَكَلَ نَارًا: هرکس اجاره‌بهای خانه‌های مکه را بخورد، آتش خورده است!» و در حدیثی از پیامبر گرامی اسلام ﷺ نقل شده است: «مَنْ احتاجَ سَكَنَ وَ مَنْ استَغْنَى اسْكُنْ: هرکس نیاز دارد، ساکن شود و آن که نیاز ندارد، اسکان دهد». / حمیدبن حنبل نیز گفته است خانه‌های مکه را می‌توان تملک کرد و به‌ارث برد، ولی نمی‌توان آن را اجاره داد. از امام علی ﷺ نقل شده است که کرایه‌دادن خانه‌های مکه را ناپسند شمرده، به این آیه شریفه استناد کرده است: «سِوَاءَ العَاقِفِ فِيهِ وَ البَادِ». در مجموع باید گفت پیامبر ﷺ اهل مکه را از اجاره‌دادن خانه‌هایشان نهی کرده است (ر.ک: بحرانی، ۱۳۸۹، ج ۳، ص ۸۴؛ نیز ر.ک:

(ر.ک: ضیایی بیگدلی، ۱۳۷۵، ص ۹۴-۱۰۷)؛ براین اساس شهروندان دولت اسلامی اعم از مسلمان و ذمی، جز در موارد استثنا، یکسان مورد یاری دولت و مشمول حقوق و تکالیف قانونی قرار می‌گیرند (برای مطالعه تفصیلی درباره پیمان ذمه، شرایط و آثار آن، ر.ک: عمید زنجانی، ۱۳۷۰/ابن هشام، ۱۹۷۱، ج ۲، ص ۹۰۲/خدوری، ۱۳۹۱، ص ۲۷۵ به بعد) و تفاوتی میان مسلمان و غیرمسلمان وجود ندارد (ماوردی، [بی تا]، ص ۱۴۱).

باتوجه به دو معیار یادشده درباره تابعیت دولت اسلامی، بیگانه عبارت خواهد بود از غیرمسلمانی که طرف قرارداد ذمه با دولت اسلامی نباشد. چنین افرادی می‌توانند در قالب نهادی موسوم به «آمان» یا «استیمان»، وارد قلمرو دولت اسلامی شوند و به‌طور موقت در آن اقامت گزینند (قرآن، توبه: ۶). به‌موجب این نهاد حقوقی اسلام، بیگانه می‌تواند با دریافت آمان از حکومت اسلامی یا هر فرد مسلمان، چه در زمان صلح و چه در زمان جنگ وارد قلمرو دولت اسلامی شود و از حمایت دولت اسلامی و حقوق و آزادی‌هایی که لازمه زندگی انسان است، برخوردار گردد (نجفی، ج ۲۱، ص ۹۳-۱۰۴).

گفتنی است حتی نقض پیمان از سوی بیگانه نیز سبب رفع مصونیت او نمی‌شود، بلکه اخراج بیگانه به دلایل قانونی نیز باید با رعایت امنیت وی باشد (همان). به‌نظر می‌رسد نهاد آمان یا استیمان نیز با همان سیستم ویزا یا روادید امروزی قابل قیاس است^۲ که به‌موجب آن دولت‌ها به تبعه خارجی اجازه می‌دهند وارد قلمرو آنها شود و برای مدت معینی اقامت داشته باشد و با رعایت قوانین و مقررات آن کشور، از حقوق و حمایت‌های قانونی بهره‌مند شود.

اکنون باتوجه به شأن و حرمتی که اسلام برای انسان و کرامت او — صرف‌نظر از

۲. بر اساس مقررات عربستان، تمامی اتباع خارجی به‌جز اتباع کشورهای عرب حوزه خلیج فارس، برای سفر به این کشور باید روادید (ویزا) دریافت کنند. [می‌توان گفت این رویه و رفتار، دست‌کم نسبت به سفر زائران و حج‌گزاران به عربستان، به‌نوبه خود نوعی تبعیض به‌شمار می‌رود؛ اگرچه شاید بتوان بر اساس عرف‌های بین‌المللی موجود و نه موازین فقهی و شرعی، توجیهاتی برای آن ذکر کرد]. دارندگان ویزای حج و عمره، مجاز به سفر به دیگر شهرها غیر از مکه و مدینه نیستند. البته شرکت‌های عربستانی عهده‌دار اقامت و سفر عمره می‌توانند برای مدت معینی امکان سفر عمره‌گزاران را به شهرهای دیگر فراهم کنند (ر.ک: باقری و متقی، ۱۳۹۱/اسداللهی، ۱۳۹۴/۱۰/۲۶، مندرج در پایگاه اطلاعاتی: [www.https://kargozaran.haj.ir/News/GetFile.ashx?id=28d1be59-6d94-40e2](https://kargozaran.haj.ir/News/GetFile.ashx?id=28d1be59-6d94-40e2)).

باورهای دینی، مذهبی و تعلقات قومی، ملی و... — قائل است و براین مبنا غیرمسلمانی که به موجب پیمان و امان در قلمرو اسلام حضور دارد را اصولاً از حقوق و حمایت‌های برابر با مسلمانان برخوردار می‌سازد، ضرورت پاسداشت حرمت و شأن مسلمانان در قلمرو دولت اسلامی به‌ویژه مسلمانانی که از نقاط دیگر دنیا برای انجام مناسک حج به سرزمین وحی سفر می‌کنند، آشکارتر می‌شود و تعهدات دینی دولت حاکم بر عربستان که خود را خادم حرمین شریفین معرفی می‌کند، سنگین‌تر خواهد بود؛ بنابراین حتی اگر دولت عربستان قوانین مدون داخلی نیز در این باره مقرر نکرده باشد یا پیمانی با دولت‌های دیگر نبسته باشد، متعهد است در برابر مسلمانان و دولت‌های دیگر اسلامی به وظایف و تکالیف خود بر اساس تعالیم عالیه اسلام عمل کند و چنانچه در این باره قصور یا تقصیری صورت پذیرد، لازم است موضوع، مطابق با احکام و مقررات شرعی مورد تعقیب و تدارک قرار گیرد.

۳-۱. برخی مقررات داخلی عربستان درباره حرمین شریفین و حج گزاران

پیش‌تر گفته شد قوانین کشور عربستان سعودی کمتر موضوعه و مدون است، بلکه در موضوعات سنتی همچون احوال شخصیه، نکاح، طلاق و حقوق جزایی، اصولاً همان احکام و موازین شرع و فقه اسلامی (حنبلی) حاکم است و فقط در حوزه‌های جدید حقوقی مانند مالیات، کار، مهاجرت و فعالیت شرکت‌های نفتی، قوانین و مقرراتی متأثر از حقوق غرب تنظیم شده است.^۳ در میان قوانین موضوعه و مدون، مقرراتی درباره یا مرتبط با اماکن مقدس و وظایف دولت در قبال آن و نسبت به چگونگی سفر و اقامت در این اماکن به چشم می‌خورد که در ادامه موارد مهمی از آن اشاره خواهد شد.

۳. در این موارد متن قوانین و مقررات مورد نظر به وسیله کمیته یا شورای وزرا تهیه و تنظیم می‌گردد و پس از تأیید شورا به پادشاه تقدیم می‌شود تا با فرمان ملوکانه تنفیذ شود و با انتشار در روزنامه، قانونی شود. گفتنی است در عربستان سعودی، مجلس قانونگذاری وجود ندارد و فقط مجلسی مشورتی از سال ۱۹۹۲م با فرمان فهد، پادشاه وقت عربستان، تشکیل شد و هم‌اکنون با ۱۲۰ عضو که همگی به وسیله پادشاه منصوب می‌گردند، در مقام نقشی صرفاً مشورتی ایفای وظیفه می‌کنند (ر.ک: www.peac-ipsc.org/fa/).

۱-۳-۱. قانون اساسی عربستان

باتوجه به مطالب پیش گفته، در عربستان سعودی برای نخستین بار در سال ۱۹۹۲م (۱۳۷۱ش) فرمان تدوین نخستین قانون اساسی این کشور صادر شد. این قانون دارای ۹ فصل و ۸۳ اصل یا ماده است که گرد سه محور عمده شامل ساختار سیاسی (النظام السیاسی)، ساختار شورا (النظام الشوری) و حکومت‌های منطقه‌ای (نظام المناطق) تنظیم شده است. در اصل نخست این قانون، کتاب خدا و سنت پیامبر ﷺ قانون اساسی کشور عربستان اعلام شده است؛ براین اساس دولت عربستان طبق قانون اساسی خود به رعایت همه موازین شرعی ملزم می‌باشد؛ بنابراین پای‌بندی به احکام شرعی مبتنی بر کتاب و سنت را در اجرای درست و مطلوب آیین حج باید از او انتظار و مطالبه داشت. افزون‌براین در اصل ۲۴ قانون اساسی این کشور، به‌روشنی بر وظیفه دولت در تلاش برای ساختن اماکن مقدس، خدمت به آن، تأمین امنیت و مراقبت‌های لازم، فراهم‌سازی تسهیلات و ایجاد آرامش برای کسانی که برای انجام مراسم حج و عمره به این اماکن سفر می‌کنند، تأکید شده است. طبعاً عمل به این وظیفه مستلزم برنامه‌ریزی‌های دقیق، پیش‌بینی‌های لازم، اقدامات مقتضی و مدیریت متناسب با ابعاد و ویژگی‌های این کنگره عظیم بین‌المللی اسلام است که همه‌ساله در موسم حج برپا می‌گردد و نیز فراهم‌سازی امکانات و ارائه خدمات و تسهیلات در ایام دیگر سال که مسلمانان برای به‌جای آوردن عمره و زیارت حرم نبوی به مکه و مدینه سفر می‌کنند.

شاید آنچه در متن اصل ۲۴ قانون اساسی عربستان آمده است، روشن‌ترین و آشکارترین مقرر قانونی این کشور درباره وظیفه دولت سعودی درقبال اماکن مقدس واقع در این کشور، به‌ویژه حرمین شریفین است. علاوه‌براین برخی مقررات دیگر این قانون و بعضی قوانین داخلی دیگر عربستان نیز می‌تواند ناظر بر موضوع حج و حج‌گزاران و یا شامل آن تلقی شود؛ برای نمونه در اصل ۲۹ قانون اساسی با موضوع علم و فرهنگ، اعلام می‌دارد: «دولت عربستان از میراث اسلامی و عربی حمایت می‌کند و در تمدن عربی، اسلامی و انسانی مشارکت می‌کند». روشن است اماکن مقدس واقع در مکه و مدینه و نیز زیارت این اماکن و آیین و مناسک حج، از بزرگ‌ترین و بلکه مهم‌ترین میراث فرهنگی و معنوی اسلام و مسلمانان و نماد تمدن اسلامی است؛ بنابراین

دولت عربستان که خود را به حمایت و پاسداری از این میراث گرانسنگ اسلامی متعهد می‌داند، باید درقبال چگونگی عملکرد خود در این باره به مسلمانان و ملل اسلامی پاسخ‌گو باشد.

۲-۳-۱. برخی مکتوبات و مکاتبات بنیانگذار حکومت سعودی

گفتنی است مکاتبات و مکتوبات بنیان‌گذار حکومت آل‌سعود، عبدالعزیز بن عبدالرحمن آل‌سعود، از اعتراف ایشان به این واقعیت حکایت دارد که حرمین شریفین به همه مسلمانان متعلق است؛ از این رو در اعلامیه تشکیل حکومت خود ادعا کرده است که ما به دنبال آن بودیم که آینده حجاز و سرزمین‌های مقدس بر اساس تصمیم کشورهای اسلامی تعیین شود و به دعوت خود از حکومت‌ها و ملل اسلام، بلکه عموم مسلمانان در تاریخ دهم ربیع‌الثانی ۱۳۴۴، اشاره می‌کند که مجمع اسلامی تشکیل داده و آنچه مصلحت این بلاد است را مقرر دارند. (محقق، ۱۳۷۹، سند ۱۴). البته وی ادعا می‌کند «پاسخی از هیچ‌کس — به جز جمعیت خلافت در هند — نرسید و پس از آنکه جهان اسلام در آن زمان مهم تصمیم و اقدامی نگرفتند تا اداره این بلاد را خود مقرر دارند، پس به قصد اصلاح به اندازه امکان اقدام کردیم.» (همان) (ایرانیکی از نگارنده است). در عین حال بر این وظیفه خود تأکید کرده است که برای امنیت، راحتی، گشایش و خوشی ساکنان این بلاد و عموم حجاج و زائران، نهایت کوشش را به عمل آورد (همان، سند ۱۵). همچنین در پیمانی که ابن‌سعود با دولت بریتانیا بسته است،^۴ تعهد می‌کند که راه‌هایی را که به اماکن مقدسه منتهی می‌شود، همواره باز نگه دارد و از حجاج برای رسیدن به آن اماکن و

۴. گفتنی است در ۱۸ صفر سال ۱۳۳۴ق، مصادف با ۲۶ دسامبر ۱۹۱۵م، پیمانی هفت‌ماده‌ای میان عبدالعزیز بن عبدالرحمن آل‌سعود، به‌عنوان نماینده فرزندان و نوادگان خودش (حاکمان بعدی) و سرپرسی کوکس، به‌عنوان نماینده مخصوص و تام‌ال‌اِختیار بریتانیا در خلیج فارس منعقد گردید که بر اساس آن، دولت بریتانیا عربستان سعودی را به رسمیت می‌شناسد و در همه جنگ‌ها از آل‌سعود پشتیبانی می‌کند و «حکومت بریتانیا می‌پذیرد که نجد، احساء، قطیف، جبیل و توابع و اراضی آنها تا سواحل خلیج [فارس] از ممالک محمد بن سعود و پدرانش باشد و... پس از عبدالعزیز نیز حکومت عربستان سعودی نسل‌اندنسل به فرزندان او برسد، ولی حاکم بعدی را حاکم فعلی تعیین می‌کند؛ به شرط اینکه حاکم بعدی با حکومت بریتانیا هیچ‌گونه دشمنی نداشته باشد و از جمله مخالف شروط این پیمان‌نامه نباشد» (ر.ک: فیلی، ۲۰۰۹، ص ۲۵۵-۲۵۷).

بازگشت از آن حمایت کند (فیلی، ۲۰۰۹، ص ۲۵۶-۲۵۵).

افزون بر این عبدالعزیز طی نامه‌ای به ایران، ضمن دعوت و اصرار به حجاج ایرانی برای انجام سفر حج، نسبت به تأمین رفاه و امنیت حجاج تعهد داده، بر بازبودن درهای حجاز به روی زائران تأکید کرده است (محقق، ۱۳۷۹، سند ۱۸). همچنین تأکید کرده است: «به لطف و قدرت الهی ما تأمین رفاه و راحتی حجاج را از لحظه ورود به سرزمین‌های مقدس در حجاز تا زمان خروج از آن، تضمین می‌کنیم» (همان، سند ۲۰)، ولی به رغم اعلام این تعهدات و ادعاها، آنچه در عمل واقع شده است، از این واقعیت حکایت دارد که حجاج به‌ویژه حاجیان و زائران ایرانی، چندان از امنیت و آسایش برخوردار نبوده‌اند و تعدیات و مزاحمت‌های مأموران سعودی نسبت به آنان روزبه‌روز بیشتر شده است؛ به‌خصوص در زیارت مرقد پیامبر گرامی ﷺ، قبور ائمه اطهار علیهم‌السلام، اهل بیت علیهم‌السلام و اصحاب پیامبر، سخت‌گیری‌ها، محدودیت‌ها و ممنوعیت‌هایی را اعمال کرده و می‌کنند؛ گزارش کنسول‌گری ایران در جده نشان از این واقعیت دارد (همان، اسناد ۵۴-۴۰). البته این رفتارهای خلاف ادعاها و تعهدات دولت عربستان سعودی فقط علیه حجاج و زائران ایرانی نبوده است، بلکه نسبت به عموم حجاج اعمال شده و می‌شود و باعث اعتراض مسلمانان دیگر کشورها و علمای اهل سنت نیز شده است؛ برای نمونه می‌توان به اعتراضات مفصل یکی از عالمان برجسته کویته، آقای دکتر یوسف رفاعی خطاب به علما و کارگزاران دولت سعودی اشاره کرد که در قالب کتابی منتشر گردیده است و نیز مقدمه‌ای که آقای دکتر رمضان البوطی، یکی دیگر از علمای اهل سنت بر این کتاب نوشته و ضمن اذعان به جایگاه رفیع علمی و اخلاقی دکتر یوسف رفاعی، تأکید کرده است که نصایح او را در این کتاب در ترازوی شرع و دلایل و مصادر آن قرار داده، وی را در همه آنچه به آن نصیحت کرده است یا از آن برحذر داشته، برحق یافته است (برای آگاهی از انتقادات، اعتراض‌ها، نصایح و تحذیرهای مورد اشاره، ر.ک: الرفاعی، ۱۹۹۹).^۱

۱. الرفاعی در کتاب النصیحة لإخواننا علماء نجد، گوشه‌ای از وضعیت نابه‌هنجار و فاجعه‌بار آزادی عقیده و مذهب را در دولت سعودی، به علما و کارگزاران این کشور گوشزد می‌کند.

۳-۳-۱. فتاوا و اقدامات نهادهای دینی عربستان

دارالافتاء سعودی و کمیته‌های امر به معروف و نهی از منکر، از جمله نهادهای دینی حکومتی است که در خدمت دولت و با هدف اجرای سیاست‌های حکومت آل سعود و قرائت وهابی سلفی از اسلام فعالیت می‌کنند. بسیاری از فتاوی دارالافتاء در ارتباط با حج و مسائل آن، منشأ تضيیقات و محدودیت‌هایی نسبت به حجاج و زائران است؛ از جمله درباره زیارت اماکن مقدسه، آزادی عبادت، زیارت قبور پیامبر ﷺ، ائمه اطهار ﷺ، اهل بیت ﷺ و اصحاب پیامبر، فتوا به حرمت زیارت قبور برای زنان و مانند آن (اللجنة الدائمة للفتاوى، ۱۹۹۶)، حال آنکه پیروان دیگر مذاهب اسلامی به چنین تضيیقات و محدودیت‌هایی قائل نیستند (سربازی، [بی تا]، ص ۵۸ / طحطاوی، ۱۳۳۱، ص ۶۱۹ / طوسی، المبسوط، ۱۳۷۸، ص ۱۰).

۲۱ کمیته امر به معروف و نهی از منکر و هیئت‌های فرعی آن در هر منطقه و امارتی با اختیارات وسیع اقدام و عمل می‌کنند. رئیس کل کمیته در مرتبه وزیر است. حمایت از دین و عقیده در برابر شرک، سحر و جادو، پاسداری از شعائر اسلامی و جلوگیری از تجاهر به بی‌دینی، محافظت از فکر و اندیشه و جلوگیری از رسوخ شبهات در جامعه، حضور در اماکنی که مردم حضور دارند و تشویق آنان به نماز، حصول اطمینان از بسته بودن اماکن تجاری هنگام نماز و توقف هرگونه خرید و فروش، از جمله وظایف این کمیته است (www.al-jazirah.com/2010/20100403/pl1.htm). این هیئت طبق اساسنامه ۲۷ ماده‌ای خود، اختیار دارد افرادی را که در انجام واجبات شرعی مسامحه می‌کنند، دستگیر کند و در پرونده‌هایی نیز که در حوزه وظایف آن تشکیل می‌شود، نماینده هیئت حضور می‌یابد (باقری و متقی، ۱۳۹۱ ص ۳۸-۴۰). در مکه و مدینه عوامل این نهاد درباره رفتار زائران، به‌خصوص شیعیان، حساسیت زیادی داشته‌اند و با برخورد‌های تند آنان را از انجام برخی اعمال همچون خواندن زیارتنامه در اماکن مقدس بازمی‌دارند. فعالیت و عملکرد این نهاد همواره مورد انتقاد بوده است. بنا به گزارش کمیته ملی حقوق بشر سعودی، بازرسی‌های بدون مجوز و ورود غیرقانونی به حریم اشخاص، بازداشت زنان بدون محرم، اجبار متهمان به امضای اوراقی بدون اجازه خواندن و اطلاع از محتویات آن، از جمله اقدامات ناروای این گروه است و گاهی

برخورد این عوامل به مرگ افراد بازداشتی منجر شده است (الجمعیه الوطنیه للحقوق الانسان فی السعودیه، ۲۰۰۹، التقرير السنوی الثانی). این شیوه عملکرد نهادهای دینی سعودی که بر قرائت دولتی — سلفی وهابی از اسلام مبتنی است و نیز اداره حرمین شریفین و اماکن مقدسه در سایه این فضای بسته و خفقان‌آلود، در تضاد با آموزه‌های بلند و حیانی و تعالیم انسان‌ساز قرآن کریم است که عربستان سعودی آن را قانون اساسی و مانیفست حکومت خود می‌داند و ناقض آموزه‌هایی است که بر آزادی اندیشه و بیان، نفی اکراه و اجبار در دین، پیروی از قول احسن، مشورت و وظیفه همگانی امر به معروف و نهی از منکر تأکید دارد؛ حال آنکه آزادی عبادت برای پیروان همه مذاهب اسلامی که در چهارچوب اصول اسلامی و قرآنی قرار می‌گیرند، به‌جای تحمیل یک مذهب انحصاری باید تأمین گردد.

۲. تعهدات دولت عربستان بر اساس حقوق بین‌الملل

تعهداتی که به‌موجب حقوق و اسناد بین‌المللی می‌تواند درمورد وضعیت زائران و حج‌گزاران متوجه دولت عربستان گردد، شامل تعهدات دوجانبه، چندجانبه و عام خواهد بود که در این بخش از مقاله به بررسی آن پرداخته می‌شود.

۲-۱. تعهدات دوجانبه

تعهدات دوجانبه دولت‌ها درباره حقوق اتباع خارجی می‌تواند از اصل رفتار متقابل برگرفته باشد که در سه شکل قانونی، عملی یا سیاسی بروز می‌کند^۱ (نصیری، ۱۳۷۵، ص ۹۲-۹۴)، ولی از آنجا که معاهدات دوجانبه میان دولت‌ها منبع عمده این‌گونه تعهدات است و از سوی دیگر موضوع بحث در اینجا بررسی حقوق مسلمانان زائر و حج‌گزار و به‌ویژه اتباع ایرانی است که برای انجام فریضه حج یا به‌جا آوردن عمره و زیارت حرم نبوی به عربستان سفر می‌کنند، معاهدات دوجانبه میان این کشور و ایران در این باره ملاحظه و بررسی خواهد شد.

۱. البته گفتنی است دست‌کم استانداردهای شناخته‌شده حقوق بشری، تابع اصل رفتار متقابل نیست و هیچ دولتی اجازه ندارد به‌استناد این اصل، از اجرای آنها خودداری کند.

تا آنجا که نویسنده به دست آورده است، از بدو تأسیس حکومت آل سعود تاکنون، شش موافقت‌نامه دوجانبه میان ایران و عربستان سعودی منعقد شده است که نخستین آنها در سال ۱۳۰۸ و آخرین آن به سال ۱۳۸۶ مربوط بوده است (شاکریان و فقیری، ۱۳۷۸، ج ۳، ص ۲۲۴—۲۲۷). از میان این موافقت‌نامه‌های دوجانبه فقط معاهده ۱۳۰۸ موسوم به عهدنامه مودت، به شکل مستقیم به موضوع حقوق اتباع طرفین متعاقد و به طور خاص رفتار عربستان سعودی با حجاج ایرانی مربوط است. البته برخی مقررات موافقت‌نامه‌های دیگر نیز به طور غیرمستقیم می‌تواند درباره مسائل مربوط به حجاج مورد استناد واقع شود؛ از این رو اشاره‌ای کوتاه به آنها نیز خواهد شد.

۱-۱-۲. عهدنامه مودت ۱۳۰۸

دوم شهریور ۱۳۰۸ مصادف با هجدهم ربیع‌الاول ۱۳۴۸ق، پیمان‌نامه‌ای دارای پنج ماده میان دو کشور ایران و عربستان — در آن زمان به مملکت حجاز، نجد و ملحقات آن گفته می‌شد — در تهران منعقد شد و پس از تصویب آن در مجلس شورای ملی ایران (نوزدهم دی ۱۳۰۸)، اسناد آن در نوزدهم خرداد ۱۳۰۹ در جده مبادله شد و در مرداد همان سال به بایگانی جامعه ملل فرستاده شد. در این پیمان‌نامه پس از تأکید بر صلح خلل‌ناپذیر و دوستی صمیمانه میان دو دولت و اتباع آنها، ضرورت به‌کارگیری تمامی مساعی طرفین بر استمرار و استحکام روابط مزبور، توافق شده است (ماده ۱). همچنین نسبت به مبادله نمایندگان سیاسی و کنسولی و رفتار با آنان طبق قواعد و رسوم حقوق بین‌الملل عمومی، ابراز تمایل شده است (ماده ۲). آنگاه در ماده سه این عهدنامه که متضمن مهم‌ترین بخش از مقررات آن می‌باشد، این‌گونه توافق شده است:

هریک از طرفین معظمین متعاهدین متعهد می‌شود که اتباع طرف متعاقد را در مملکت خود از جمیع حقوق و مزایایی که اتباع دولت کامله‌الوداد از آن بهره‌مند می‌گردند، برخوردار سازد. حکومت اعلیحضرت پادشاه حجاز، نجد و ملحقات آن متعهد می‌گردد که نسبت به حجاج ایرانی از هر حیث مثل سایر حجاجی که به بیت‌الله الحرام می‌روند، معامله و رفتار کرده و اجازه ندهند که نسبت به حجاج ایرانی در ادای مناسک حج و فرایض دینی آنها هیچ‌گونه مشکلاتی ایجاد شود و نیز تعهد می‌نماید که وسایل امنیت و آسایش و اطمینان آنها را فراهم سازد.

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، در این موافقت‌نامه علاوه بر اینکه شرط ملل کامله‌الوداد مبنای رفتار با اتباع متعاهدان در قلمرو یکدیگر اعلام شده است که طبعاً بیشترین حقوق و حمایت‌ها را برای اتباع آنان ایجاب می‌کند، آشکارا بر تعهدات دولت عربستان نسبت به حسن رفتار و تعامل با حاجیان ایرانی و تأمین موجبات رفاه، آسایش و آرامش آنان برای انجام مناسک حج تأکید به عمل آمده است. گفتنی است از آنجاکه تاکنون هیچ‌یک از متعاهدان مدعی فسخ، نسخ یا بی‌اعتباری این پیمان‌نامه نشده است، همچنان به اعتبار خود باقی و برای طرفین لازم‌الرعایه است. ضمن اینکه طرفین نسبت به تکمیل مذاکرات و عقد قراردادهای سیاسی، تجاری و اقتصادی و مانند آن، ابراز تمایل کردند (ماده ۴ عهدنامه مودت). البته در جهت این ابراز تمایل، اقدام عاجلی صورت نگرفت، ولی همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، چند موافقت‌نامه دیگر نیز میان دو کشور منعقد شد که هرچند به طور مستقیم به موضوع حج و حج‌گزاری نمی‌پردازند، روح و برخی مفاد آنها به شکل غیرمستقیم نسبت به مسائل حج قابل تعمیم و استفاده‌اند؛ از این رو اکنون به این موافقت‌نامه‌ها اشاره کوتاهی خواهیم داشت.

۲-۱-۲. موافقت‌نامه فرهنگی ایران و عربستان سعودی

موافقت‌نامه فرهنگی ایران و عربستان سعودی که در تاریخ ۲۳ آبان ۱۳۴۶ (۱۴ نوامبر ۱۹۶۷م) در تهران به امضای نمایندگان مختار دولت شاهنشاهی ایران و دولت پادشاهی عربستان رسید، شامل برخی تعهدات است که می‌تواند به روابط دو دولت درباره مسائل حج ارتباط یابد؛ از جمله تعهد طرفین به بذل کمال اهتمام در توسعه روابط فرهنگی و از این رهگذر، تشیید و تقویت روابط و مناسبات معنوی میان دو ملت (ماده ۱) و بدین منظور تعهد به کار بست مساعی خود درباره مواردی چند مانند ایجاد تسهیلات لازم برای تنظیم و اجرای برنامه‌های فرهنگی، علمی و ورزشی، تسهیلات لازم هنگام مسافرت‌های دسته‌جمعی اساتید، دانشجویان و فرهنگیان در دو کشور (ماده ۲) و نشر اطلاعات منطبق با سوابق و حقایق تاریخی و جغرافیایی در تمامی کتب؛ از جمله کتب درسی و اسناد و مطبوعات خود نسبت به کشور متعاهد دیگر به منظور تحصیل ذهنیت صحیح اتباع نسبت به کشور یکدیگر (ماده ۶) و در نهایت طرفین بر امکان اعزام مأموران

فرهنگی به کشور یکدیگر برای تسهیل اجرای این پیمان توافق کردند. روشن است مراسم حج با ماهیت فرهنگی و معنوی خود می‌تواند بستر مناسبی برای تقویت و توسعه روابط فرهنگی و مناسبات معنوی میان دو دولت و ملت باشد؛ به‌همین دلیل بهترین زمینه برای اجرای مفاد موافقت‌نامه فرهنگی و نیل به اهداف آن است.

۲-۱-۳. موافقت‌نامه همکاری‌های همه‌جانبه

سومین موافقت‌نامه دوجانبه میان دولت ایران و عربستان به همکاری‌های اقتصادی، بازرگانی، سرمایه‌گذاری، فنی، علمی، فرهنگی، ورزشی و جوانان مربوط است. این موافقت‌نامه، نخستین پیمانی است که پس از پیروزی انقلاب اسلامی میان جمهوری اسلامی ایران و دولت عربستان سعودی در اردیبهشت ۱۳۷۹ منعقد شده است (<http://rc.majlis.ir/fa/law/show93335?keyword=>). باتوجه به گستره موضوع این پیمان که با هدف تقویت همکاری‌های همه‌جانبه در جهت تحکیم پیوندهای اسلامی، فرهنگی و تاریخی میان دو ملت مورد توافق قرار گرفته است، به‌طور مسلم حج بستر و ظرفیت کم‌نظیری را برای اجرای مفاد چنین توافق‌هایی فراهم می‌سازد.

۲-۱-۴. موافقت‌نامه حمل و نقل هوایی

پیمان دوجانبه دیگر، در سال ۱۳۷۹ میان دو کشور منعقد شد (<http://rc.majlis.ir/fa/law/show/93477?keyword=>). این معاهده به حمل و نقل هوایی میان جمهوری اسلامی ایران و پادشاهی عربستان سعودی مربوط است که طبعاً می‌تواند در زمینه مسائل مربوط به حمل و نقل حجاج نیز مورد استناد و استفاده قرار گیرد.

۲-۱-۵. موافقت‌نامه همکاری‌های امنیتی

در سال ۱۳۸۰ موافقت‌نامه همکاری‌های امنیتی میان دو دولت منعقد شد (<http://rc.majlis.ir/fa/law/show/93594?keyword=>) که بخشی از آن در ذیل اشاره می‌شود:

دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت پادشاهی عربستان سعودی با عنایت به روابط برادرانه اسلامی و دوستانه دو کشور و اهمیت مسائل امنیتی، با اعتقاد به لزوم برقراری

همکاری‌های امنیتی متقابل و درک فواید ناشی از آن، با آگاهی از نقش مؤثر دو کشور در تحکیم امنیت و ثبات منطقه، با در نظر داشتن مقررات و تعهدات بین‌المللی ناظر بر چنین همکاری‌هایی، بر مبنای اراده خلل‌ناپذیر خود مبنی بر احترام متقابل، حُسن همجواری و عدم دخالت در امور داخلی یکدیگر و با احترام به حق حاکمیت ملی، تمامیت ارضی، قوانین و مقررات بین‌المللی طرف‌های متعاقد، در چهارچوب صلاحیت‌های وزارتین کشور دو طرف» (مقدمه پیمان‌نامه).

طبق این موافقت‌نامه، دو دولت به برخی تعهدات امنیتی متعهد می‌شوند. به نظر می‌رسد تأمین امنیت حجاج می‌تواند مقتضای روح چنین پیمانی تلقی شود.

۶-۱-۲. موافقت‌نامه حمل و نقل دریایی

آخرین موافقت‌نامه دوجانبه ایران و عربستان به همکاری در زمینه حمل و نقل دریایی مربوط است که در سال ۱۳۸۶ منعقد شده است (<http://rc.majlis.ir/fa/law/show?keyword=97980>). این پیمان نیز ممکن است به‌طور غیرمستقیم در مواردی به مسائل حج و حج‌گزاران مربوط شود. ضمن اینکه روح حاکم بر همه این موافقت‌نامه‌های دوجانبه که به‌منظور گسترش روابط دوستانه و برادرانه اسلامی انعقاد یافته‌اند، مقتضای اهتمام طرفین به تقویت همکاری و تعامل دوستانه و برادری اسلامی در همه زمینه‌ها، به‌ویژه در برگزاری شایسته مراسم حج، این نماد اعلای اخوت و اتحاد اسلامی است.

۲-۲. تعهدات چندجانبه و عام

تعهدات چندجانبه دولت‌ها از عرف‌ها و معاهدات بین‌المللی چندجانبه یا عام ناشی می‌شود. اکنون به‌منظور تبیین تعهدات چندجانبه دولت عربستان سعودی قابل استناد در زمینه حج و حج‌گزاران، به نمونه‌هایی از منابع دارای این‌گونه تعهدات اشاره می‌کنیم. تعهدات مورد بحث را در سه حوزه امور کنسولی، تعهدات ناشی از منشور سازمان همکاری اسلامی و تعهدات عام حقوق بشری می‌توان ملاحظه کرد.

۱-۲-۲. تعهدات کنسولی

نهاد کنسولی یکی از قدیمی‌ترین نهادهای حقوقی بین‌المللی است که به منظور حمایت از اتباع یک دولت در قلمرو کشورهای دیگر پدید آمده است. امروزه خدمات کنسولی در حقوق بین‌الملل تابع مقرراتی است که عمدتاً منشأ عرفی داشته و در حال حاضر در کنوانسیون راجع به حقوق کنسولی (وین ۱۹۶۳م) تدوین یافته است. ایران و عربستان سعودی از اعضای این کنوانسیون‌اند؛ بنابراین در روابط متقابل و نسبت به اتباع یکدیگر، به رعایت مفاد مقررات مندرج در آن ملزم‌اند. رؤس تعهدات ناشی از این کنوانسیون عبارت‌اند از:

نماینده کنسولی، وظیفه حفاظت از حقوق و منافع دولت فرستنده و اتباع آن را در کشور پذیرنده به عهده دارد (ماده ۵).

دولت پذیرنده به تأمین تسهیلات کامل برای ایفای وظایف کنسولی موظف است (ماده ۲۸).

حق دسترسی و ارتباط کنسولی دوسویه میان نماینده کنسولی و اتباع دولت فرستنده، از راه مکاتبه و ملاقات وجود دارد؛ به‌ویژه در مورد اتباعی که دستگیر، بازداشت یا زندانی شده‌اند، نماینده کنسولی حق دارد بدون تأخیر از وضعیت آنان اطلاع یابد و با ایشان ملاقات داشته باشد. مقامات دولت پذیرنده باید حقوقی را که شخص ذی‌نفع به موجب این مقررات دارد، به اطلاع او برسانند (ماده ۳۶).

دولت پذیرنده موظف است در صورت مرگ یکی از اتباع دولت فرستنده، بدون تأخیر موضوع را به پُست کنسولی که مرگ در حوزه آن اتفاق افتاده است، اطلاع دهد (ماده ۳۷/ الف).

روشن است قصور یا تقصیر در انجام تعهدات دولت پذیرنده می‌تواند موجبات مسئولیت بین‌المللی آن را فراهم آورد؛ برای نمونه می‌توان به رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه لاگران (دعوی آلمان علیه ایالات متحد آمریکا) (ICJ Reports, 2001, paras.2-3) اشاره کرد. در این پرونده، دیوان ایالات متحد آمریکا را به سبب عدم اطلاع‌رسانی بدون تأخیر نسبت به حقوق متهمان به‌دنبال بازداشت آنها که سبب شد دولت آلمان امکان دسترسی و تعامل با اتباعش را از دست بدهد، محکوم کرد (ibid,)

(p.189).

البته برخی حق دسترسی به خدمات کنسولی را در زمره حقوق بشر دانسته‌اند (ر.ک: برزگزاده و تعالی، سال، ج ۳، ص ۶۹—۱۰۰) که به مثابه تعهدات عام (Erga Omnes) در برابر جامعه بین‌المللی و غیرمقید به اصل رفتار متقابل است، ولی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه لاگرانده، این تلقی آلمان را درباره حقوق کنسولی نقض شده (مندرج در ماده ۳۶ کنوانسیون وین ۱۹۶۳م) نپذیرفت،^۲ در حالی که دیوان امریکایی حقوق بشر در قضیه رامون مارتینز ویلارئال (تبعه مکزیکی)، ماده ۳۶ را به حقوق تبعه دولت فرستنده مربوط دانست که به مثابه بخشی از پیکره حقوق بین‌المللی بشر است (Shelton, 2004, p.560) و خواننده (دولت ایالات متحد آمریکا) را به سبب آگاه نکردن تبعه خارجی از حقوق خود (خدمات کنسولی)، به نقض حقوق بشر محکوم کرد (Murphy, 2009, p.25). گفتنی است کمیسیون حقوق بین‌الملل نیز ماده ۳۶ کنوانسیون حقوق کنسولی را واجد چنین خصوصیتی دانسته، آن را برتر از تعهدات متقابل دول عضو می‌داند (Quigley, 2010, p.87)؛ بنابراین نقض این گونه تعهدات از سوی دولت عربستان سعودی، به ویژه درباره حج گزاران، موجب مسئولیت بین‌المللی این دولت، نه تنها در برابر دولت متبوع حاجیان، بلکه در قبال جامعه بین‌المللی می‌گردد.

۲-۲-۲. تعهدات برگرفته از منشور سازمان همکاری اسلامی (OIC)

اهداف و اصول حاکم بر سازمان همکاری اسلامی (سازمان کنفرانس اسلامی سابق)، به نحو مندرج در مقدمه و مواد ۱ و ۲ منشور این سازمان (برای مطالعه متن منشور سازمان همکاری اسلامی، ر.ک: www.oic-oci.org/oicv3/?lan=en)، باید در رفتار کشورهای عضو در همه حوزه‌ها متجلی گردد. بی‌شک حج، یکی از مهم‌ترین و شاید مهم‌ترین عرصه تبلور و تجلی اهداف و آرمان‌های اسلامی منعکس در این منشور است. برخی از اهداف مندرج در مقدمه منشور که سازمان برای نیل به آنها تأسیس شده است،

۲. دیوان در موضوع بارسلونا ترکشن، تعهدات در قبال جامعه بین‌المللی به طور کل را از تعهدات متقابل در مورد حمایت دیپلماتیک متمایز دانست (ICJ Reports, 1970, para.33) نیز برای مطالعه بیشتر در این باره ر.ک: Crawford, Peel & Ollson, 2001, pp.971-976/ Crawford, 2002, pp.77-79/ Crawford, 2013, pp.66-68.

عبارت‌اند از:

پیشبرد حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، حکمرانی خوب، حکومت قانون، دموکراسی، پاسخ‌گویی مطابق قوانین اساسی و نظام حقوقی کشور، درک و گفت‌وگو میان تمدن‌ها، فرهنگ‌ها و ادیان، هدایت و الهام‌گرفتن از ارزش‌های ناب اسلامی وحدت و اخوت، با تأکید بر اهمیت و ضرورت پیشبرد و تحکیم وحدت و انسجام میان دول عضو در تأمین منافع مشترک‌شان در سطح بین‌المللی، پاسداری و پیشبرد ارزش‌های متعالی اسلامی صلح، همدردی و شفقت، بردباری (تحمل دیگران)، برابری، عدالت و کرامت انسانی.

همچنین مطابق ماده نخست این منشور، اهداف سازمان عبارت است از:

حمایت و دفاع از سیمای راستین اسلام به‌منظور زدودن غبار شبهه از چهره اسلام و ترغیب گفت‌وگو میان تمدن‌ها و ادیان، پیشبرد و حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی از جمله حقوق زنان، کودکان، نوجوانان، کهن‌سالان و افراد دارای نیازهای خاص، تضمین حقوق، کرامت و هویت مذهبی و فرهنگی جمعیت‌ها و اقلیت‌های اسلامی در کشورهای غیراسلامی.

سپس در ماده دوم بر تعهد دول عضو به الهام‌گرفتن از آموزه‌ها و ارزش‌های ناب اسلامی در جهت تحقق اهداف مندرج در ماده یک و عمل وفق اصول مذکور در این ماده، از جمله حمایت و پیشبرد حکمرانی خوب، دموکراسی، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی و حکومت قانون در سطح ملی و بین‌المللی تصریح و تأکید شده است. تأمل در نوع اهداف و اصول یادشده نشان می‌دهد بسیاری از تعهدات ناشی از منشور سازمان همکاری‌های اسلامی، فراتر از تعهدات متبادل بین‌الدولی مبتنی بر اصل تقابل بوده، بلکه از نوع تعهدات عام در برابر جهان اسلام است.

روشن است که اجتماع بزرگ مسلمانان در موسم حج که توجه همه جهانیان را به خود جلب می‌کند، مناسب‌ترین بستر، کانون و مجموعه‌ای است که می‌تواند و باید نماد همه ارزش‌های ناب اسلامی، از وحدت، اخوت، مهربانی، رحم و شفقت، تحمل، تفاهم و گفت‌وگو، عدالت، کرامت و ارزش انسانی، تا حکمرانی خوب، مدیریت شایسته، صلح، آرامش، امنیت، پاسخ‌گویی و حکومت قانون و در مجموع تجلی سیمای راستین اسلام رحمانی باشد.

طبیعتاً مسئولیت این مهم عمدتاً به عهده دولت عربستان سعودی است که اداره حرمین شریفین — این اماکن مقدس متعلق به همه مسلمانان — و برگزاری حج — این بزرگ‌ترین مراسم و کنگره جهانی اسلام — را به عهده دارد. البته در ایفای هرچه مطلوب‌تر این مسئولیت سنگین باید از همه ظرفیت موجود در جهان اسلام بهره برده شود. کشورهای اسلامی به‌ویژه دولت سعودی باید زمینه فعال‌سازی این ظرفیت را از جمله از راه سازمان همکاری اسلامی فراهم آورند.

۲-۲-۳. تعهدات عام حقوق بشری

یکی از انواع مهم تعهدات بین‌المللی که امروزه از دولت‌ها مطالبه می‌شود تعهدات عام حقوق بشری است. به موجب این گونه تعهدات هر دولت وظیفه و مسئولیت رعایت، حمایت و تامین حقوق و منافع انسان‌های تحت حاکمیت و صلاحیت خود را بر عهده دارد. از این رو در ادامه تبیین انواع تعهدات عربستان سعودی در زمینه حج و حج‌گزاران، بررسی تعهدات حقوق بشری این کشور نیز ضروری است، البته پیش از آن لازم است جهت توجه بیشتر به اهمیت موضوع، قدری در باره ماهیت این نوع تعهدات توضیح داده شود.

۲-۲-۳-۱. ماهیت تعهدات حقوق بشری

تعهدات حقوق بشری از نوع تعهدات عام^۳ محسوب می‌شود که متعهدله آن جامعه بین‌المللی است. مفاد اعلامیه‌ها، میثاق‌ها و عهدنامه‌های حقوق بشری اغلب از اعتبار عرفی برخوردارند و بعضاً در جایگاه قواعد آمره بین‌المللی قرار دارند.^۴ بر این اساس دولت‌ها فارغ از عضویت در این اسناد، به رعایت حقوق و آزادی‌های اساسی افراد در

۳. دیوان بین‌المللی دادگستری در موضوع بارسلونا تراکشن، دو دسته تعهدات بین‌المللی را از یکدیگر بازمی‌شناسد: نخست، تعهدات دولت در برابر هر دولت دیگر؛ دوم، تعهدات آن در برابر جامعه بین‌المللی در مجموع، که از آن به تعهدات عام (Erga Omnes) تعبیر می‌شود. تعهدات حقوق بشری از مصادیق آشکار نوع اخیر به‌شمار می‌رود (ICJ, Reports, 1970, para.33).

۴. دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی مشورتی مربوط به رزرو بر معاهده منع و مجازات نسل‌زدایی (ژنوساید ۱۹۴۸)، در معرفی برخی قواعد آمره در حقوق بین‌الملل معاصر از تجاوز، کشتار جمعی و نیز اصول و قواعد مربوط به حقوق بنیادین شخص انسان از جمله مبارزه با تبعیض نژادی یاد می‌کند (ICJ, Reports, 1951, p.23).

قلمرو تحت حاکمیت یا صلاحیت خود موظفاند و چون متعهدله این تعهدات جامعه بین‌المللی و بشریت است، علاوه بر دول متبوع افراد زیان‌دیده، دولت‌های دیگر نیز می‌توانند نسبت به موارد نقض واکنش نشان دهند؛ زیرا دولت باید در حوزه تحت صلاحیت و حاکمیت خود، علاوه بر حقوق دولت‌های دیگر و اتباع آنها منافع جامعه بین‌المللی را محترم شمارد و حتی به رعایت حقوق اساسی شهروندان خود نیز ملزم است (نگوین و دیگران، ۱۳۸۲، ص ۷۵۸-۷۹۱)؛ براین اساس اگر حوادثی مانند حادثه منا برای اتباع خود دولت عربستان نیز رخ می‌داد، ازسوی جامعه بین‌المللی قابل مؤاخذه بود؛^۵ بنابراین دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی به‌طور عام و دولت‌ها و نهادهای اسلامی به‌طور خاص، حق و بلکه وظیفه دارند درباره علل و عوامل چنین حوادثی جویا شوند و نسبت به عدم تکرار آن، طلب اطمینان و تضمین کنند.

۲-۲-۳-۲. تعهدات حقوق بشری عربستان سعودی

آنچه اکنون مد نظر است، اشاره به برخی تعهدات حقوق بشری دولت عربستان سعودی است که پای‌بندی به آنها درباره حجاج، به‌منظور پاسداشت کرامت و حقوق انسانی آنان می‌تواند از بروز حوادث و فجایع انسانی در طی موسم حج پیشگیری کند یا از دامنه خسارت‌ها بکاهد. ضمن اینکه اهتمام به رعایت این تعهدات در شأن حجاج، بیش از افراد عادی مورد انتظار است.

اگرچه دولت عربستان سعودی عضو برخی اسناد مهم حقوق بشری همچون میثاقین نیست و به اعلامیه جهانی حقوق بشر (قطعنامه A۲۱۷ مورخ ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸م با ۴۸ رأی مثبت و ۸ رأی ممتنع) نیز رأی ممتنع داده است، ولی همان‌گونه که اشاره شد، قواعد بین‌المللی حقوق بشر عمدتاً جنبه عرفی و بلکه ویژگی آمره دارند و اعضای جامعه بین‌المللی عموماً به رعایت آن متعهدند. افزون‌براینکه طبق اصول اعلام‌شده در منشور ملل متحد، شناسایی حیثیت ذاتی و حقوق برابر و غیرقابل انتقال تمامی اعضای

۵. این حادثه بی‌شک فاجعه‌ای انسانی را رغم زد که به‌لحاظ ابعاد و شمار جان‌باختگان، با نسل‌کشی سربریتسا به‌وسیله ارتش صربستان قابل مقایسه است که بزرگ‌ترین نسل‌کشی پس از جنگ جهانی دوم بود و شمار کشتگان آن بالغ بر هشت هزار نفر بود (ر.ک: آخوندان، ۱۳۹۴، www.news.irib.ir/articles/).

خانواده بشر، مبنای آزادی، عدالت و صلح در جهان دانسته شده است و دولت عربستان همچون دولت‌های دیگر به احترام و رعایت حقوق بشر و آزادی‌های انسان و ترویج آن در سراسر جهان متعهد می‌باشد؛ ضمن اینکه در قانون اساسی خود بر تعهد به رعایت حقوق بشر مطابق با شریعت اسلام تصریح کرده است (ماده ۲۶ق.ا.ع.: www.dadnegar.ir/Saudi-arabia/). به نظر می‌رسد در مطابقت حقوق بشر با شریعت اسلام، باید اعلامیه اسلامی حقوق بشر معیار قرار داده شود. مفاد این اعلامیه که از سوی کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی پذیرفته شده است (قاهره ۱۹۹۰م)، برای دولت‌های اسلامی همچون اعلامیه جهانی حقوق بشر برای جامعه بین‌المللی تلقی می‌شود.

این اعلامیه مقرر می‌دارد:

بشر به‌طور کلی یک خانواده است که بندگی خدا و فرزندى آدم آنها را گرد آورده و همه مردم در اصل شرافت انسانی و تکلیف و مسئولیت برابرند؛ بدون هرگونه تبعیض از لحاظ نژاد یا رنگ یا زبان یا جنس یا اعتقاد دینی یا وابستگی سیاسی یا وضعیت اجتماعی و غیر آن ... (ماده ۱/ الف).

در این مقرر سه اصل «برابری»، «برادری» و «منع تبعیض» تأکید شده است. روشن است این اصول باید در رفتار با مسلمانان از هر نژاد، زبان، جنس و فرقی گوناگون اسلامی، به‌طریق اولی و با جدیت، به‌خصوص در مراسم حج و درباره حج‌گزاران رعایت گردد. همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، گزارش‌های فراوانی وجود دارد که از رفتار خشن و تبعیض‌آمیز عوامل دولت سعودی به‌ویژه در برخورد با زنان و نیز پیروان برخی مذاهب اسلامی حکایت دارد.^۱

۱. نویسنده که توفیق تشرف به مکه مکرمه و مدینه منوره را داشته است، خود بارها شاهد این‌گونه رفتارهای تند و تبعیض‌آمیز مأموران و عوامل اجرایی عربستان سعودی با بانوان، اتباع دیگر کشورها و پیروان برخی مذاهب اسلامی به‌ویژه شیعیان بوده است. تلاش در جهت ترویج و بلکه تحمیل عقاید وهابیت که از سوی اکثریت مسلمانان از فرق و مذاهب دیگر اسلامی مردود یا محل خدشه است و ممانعت شدید از طرح عقاید و شریعت دیگر مذاهب یا حتی ممانعت از هرگونه دفاع و توضیح درباره برخی شبهات و اتهامات کذب و ناروایی که پیوسته به‌وسیله مبلغان وهابی به برخی مذاهب دیگر اسلامی خصوصاً مسلمانان شیعی نسبت داده می‌شود، نمونه‌هایی از این رفتارهای ضد حقوق بشری، غیرانسانی و مغایر با موازین و ارزش‌های عقلانی و ناب اسلام است، درحالی‌که به‌طورکلی

این اعلامیه حیات را به عنوان موهبتی الهی حق هر فرد انسانی می‌داند و حمایت از آن را بر همه افراد، جوامع و حکومت‌ها واجب دانسته، آنها را موظف می‌کند در برابر هر تجاوزی علیه آن ایستادگی کنند (ماده ۲/ الف) و پاسداری از ادامه زندگی بشریت را تازمانی که مشیت الهی به آن تعلق گرفته باشد، وظیفه شرعی به‌شمار آورده است (ماده ۲/ ج). حق زندگی به عنوان اساسی‌ترین حق ذاتی انسان در اسناد بین‌المللی حقوق بشر تأکید شده است که باید به موجب قانون حمایت شود (ماده ۲ اعلامیه جهانی و ماده ۶ میثاق مدنی و سیاسی)؛ بنابراین هرگونه قصور، کوتاهی، بی‌توجهی و عدم اهتمام نسبت به حفظ جان انسان‌ها، به‌ویژه زائران و حج‌گزاران، نقض آشکار اساسی‌ترین حق ذاتی انسان‌هاست؛ به‌خصوص درباره مؤمنان که در آموزه‌های دینی حرمت جان، عرض و کرامت آنان از کعبه بالاتر و مهم‌تر شمرده شده است: «الْمُؤْمِنُ أَكْبَرُ حُرْمَةً مِنَ الْكَعْبَةِ» (مجلسی، [بی‌تا]، ج ۶۴، ص ۷۱، ح ۳۵/ طبرسی، [بی‌تا]، ص ۸۳).^۱

حمایت از حق حیات انسان‌ها، مستلزم بهره‌مندی از یک سری حقوق دیگر مانند حق برخورداری از لوازم اولیه حیات، حق سلامتی و مراقبت‌های بهداشتی و پزشکی (ماده ۲۵ اعلامیه جهانی و ماده ۱۲ میثاق مدنی سیاسی) است. روشن است که تأمین سلامت، بهداشت و امنیت اشخاص در مراسم حج به‌لحاظ شرایط خاص، نیازمند برنامه‌ریزی‌های قبلی، پیش‌بینی‌های لازم و مدیریت مناسب است. در عین حال از آنجاکه وقوع حوادث پیش‌بینی نشده در مراسمی با این ابعاد و ویژگی‌ها دور از انتظار نیست، آمادگی‌های لازم برای رویارویی با حوادث به‌منظور انجام عملیات کاوش، امداد و

حقوق بشر در کشور عربستان، وضعیت اسف‌باری دارد. گزارش سال‌های ۲۰۱۴م تا ۲۰۱۵م سازمان عفو بین‌الملل، شاهد این واقعیت است. ر.ک:

Amnesty International Report, 2014-2015: The State of the World's Human Rights, By Amnesty International, 25 February, 2015, Index number: POL 10/0001/2015. See: <https://www.amnesty.org/en/documents/pol/10/0001/2015/en/>.

۱. همچنین جابرین عبدالله انصاری از پیامبر گرامی اسلام ﷺ نقل کرده است: «به کعبه نظر افکند و فرمود: آفرین بر تو ای خانه‌ای که چقدر عظمت و بزرگی داری و احترام تو چقدر زیاد است! سوگند به خدا احترام مؤمن نزد خدا از تو بیشتر است؛ زیرا حرمت تو فقط از یک‌جهت است که خونریزی در تو حرام است، ولی مؤمن از سه جهت احترام دارد: خون او محترم است، مال او حرمت دارد و بدگمانی نسبت به او حرام است» (ر.ک: طبرسی، [بی‌تا]، ص ۷۸/ مجلسی، [بی‌تا]، ج ۶۴، ص ۷۱).

نجات، امری کاملاً ضروری می‌نماید. توجه خاص به زنان، کودکان، سالخورده‌گان، بیماران، مصدومان و آسیب‌دیدگان در حوادث، بدون هرگونه تعلل و کوتاهی، وظیفه مهم حقوقی، شرعی و اخلاقی مسئولان برگزاری چنین مراسمی است.^۱

بی‌شک دسترسی به آب آشامیدنی از ضروریات اولیه زندگی هر انسانی است (ماده ۲۵ اعلامیه و ماده ۱۱ میثاق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی). گزارش شاهدان عینی حادثه منا حاکی از این واقعیت تلخ و دردناک است که بسیاری از جان‌باختگان این فاجعه بر اثر فرط تشنگی، گرمای شدید و کمبود اکسیژن جان خود را از دست دادند. انجام کم‌ترین کارها مانند رساندن قطراتی آب به دهان قربانیان یا حتی پاشیدن آب به وسیله بالگردها، می‌توانست از ابعاد این فاجعه تا اندازه بسیار زیادی بکاهد.^۲

عدم تبعیض در امداد و رفتار انسانی نسبت به آسیب‌دیدگان حادثه، از اصول بنیادی حقوق انسانی است. به یقین رهاکردن برخی مجروحان به دلیل اینکه اهل کشور خاصی بودند و برخورد توهین‌آمیز در برابر اعتراض آنان، مصداق آشکار تبعیض است. همچنین رهاکردن شخص در شرایط سخت و نرساندن آب تا مرز جان‌دادن افراد، می‌تواند مصداق شکنجه به‌شمار آید. محصورماندن زندگان در میان اجساد و انتظار مرگ کشیدن، بی‌شک بدترین نوع شکنجه به‌نظر می‌آید و شدیدترین گونه نقض کرامت انسانی است. حفظ حرمت جنازه انسان، به‌ویژه در آموزه‌های دینی از اهمیت خاصی برخوردار می‌باشد و در اعلامیه اسلامی حقوق بشر نیز تأکید فراوان شده است (ماده ۲/د) و حتی

۱. به گزارش برخی شاهدان و عوامل اجرایی سازمان حج و زیارت جمهوری اسلامی ایران، عوامل سعودی در حادثه منا نه تنها به موقع نسبت به عملیات امداد و نجات اقدام نکردند، بلکه از پذیرش کمک‌های انسان‌دوستانه دیگران نیز خودداری کردند. آقای مرعشی، رئیس مرکز پزشکی سازمان حج و زیارت در این باره می‌گوید: «ما بلافاصله تمام نیروهای ستاد را همراه آمبولانس‌ها به محل حادثه اعزام کردیم و در ساعات اولیه موفق شدیم حدود ششصد نفر از جمله ۱۱۰ ایرانی را نجات دهیم، اما در ادامه ممانعت کردند و حتی برخی نیروهای ما را بازداشت کردند» (آخوندان، ۱۳۹۴، www.irib.ir/articles).

۲. به گفته برخی شاهدان، تشنگی حاجیان گرفتار در حادثه آن‌اندازه شدید بود که آسمان آبی کم‌کم در نظرشان تیره می‌شد و بیهوش می‌شدند و بر زمین می‌افتادند، درحالی‌که اقدام مؤثری صورت نمی‌گرفت و نیروهای پلیس فاقد تجربه، حتی خیابان‌ها و فضاها را نمی‌شناختند (برای ملاحظه اظهارات شاهدان عینی از کشورهای گوناگون همچون لیبی، الجزایر و ایران، رک: www.telegraph.co.uk/news/worldnews/mid).

دولت و جامعه را موظف کرده است که از پیکر و مدفن شخص پاس‌داری کنند (ماده ۴ اعلامیه قاهره ۱۹۹۰م).

روشن است که وضعیت‌هایی مانند رهاشدن اجساد روی هم انباشته‌شده جان‌باختگان فاجعه مناسبت‌ها در خیابان و در هوای گرم، انتقال آنها با لیفتراک به درون تریلی‌ها و نگهداری بسیاری اجساد در کانتینرهایی با شرایط نامناسب (آخوندان، ۱۳۹۴، قسمت دوم: www.news.irib.ir/article/)، همه و همه هتک حرمت و کرامت انسانی قربانان بوده، مغایر معیارهای دینی، اخلاقی و حقوق بشری است.

نتیجه

دولت عربستان سعودی باید برای ایفای تعهدات اولیه خود، بر اساس شریعت، قوانین داخلی و حقوق بین‌الملل، سه دسته اقدامات را در سه مرحله به‌عمل آورد:

الف) اقدامات پیش از برگزاری مراسم حج، شامل برنامه‌ریزی‌های صحیح و دقیق، پیش‌بینی‌های لازم، تدارک امکانات، ابزار و تجهیزات مقتضی، طراحی مدیریت مناسب، آموزش، تربیت و به‌کارگیری نیروهای توانمند، آزموده و کارآمد موردنیاز و در مجموع به‌کارگیری تمامی تدابیر بایسته و شایسته با بهره‌گیری از دانش و فناوری روز دنیا و تجارب گذشته، استفاده از همه ظرفیت‌های ممکن در کشور عربستان و جهان اسلام، به‌منظور تضمین برگزاری هرچه مطلوب‌تر این کنگره جهانی اسلام و پیش‌گیری از بروز حوادث ناگوار و فجایع انسانی.

ب) در صورت بروز حادثه، انجام هرگونه اقدام و تلاش ممکن در جهت کاستن از ابعاد و دامنه حادثه و به‌حداقل رساندن خسارت‌ها و آسیب‌های ناشی از آن، وظیفه اصلی همه عوامل درگیر و دخیل در امر برگزاری حج است.

ج) انجام برخی امور پس از حادثه؛ از جمله به‌کارگیری همه امکانات، ابزار و روش‌های ممکن، ایجاد و انجام هماهنگی و همکاری‌های لازم درباره عملیات کاوش، امداد و نجات و کمک‌رسانی به حادثه‌دیدگان.

د) پذیرش مسئولیت نسبت به هرگونه قصور یا تقصیر احتمالی در ایفای تعهدات یادشده و به‌دنبال آن، جبران هرگونه خسارات مادی و معنوی ناشی از عدم انجام

درست، کامل و به موقع تعهدات و در نهایت متعهدشدن به انجام تدابیر پیش‌گیرانه و عدم تکرار حوادث مشابه.

لازم است در هریک از این مراحل - به‌ویژه هنگام وقوع حادثه و به‌خصوص پس از آن - در صورت نیاز از دیگر دولت‌ها و سازمان‌های ذی‌ربط درخواست همکاری و استمداد به‌عمل آید و کمک‌های انسان‌دوستانه درباره امداد و نجات، نه‌تنها مورد درخواست و استقبال قرار گیرد، بلکه دولت محل حادثه باید به‌دنبال کمک‌های خارجی باشد.

انجام این امور مستلزم اقداماتی است؛ همچون تحقیق درباره علل و عوامل بروز حادثه (تشکیل کمیته حقیقت‌یاب)، شناسایی عاملان قصور و تقصیرات احتمالی در عدم ایفای تعهدات یادشده در سه مرحله پیشین و محاکمه و مجازات آنها، پرداخت غرامت به آسیب‌دیدگان و بازماندگان جان‌باختگان و در نهایت جمع‌همه ظرفیت‌های دولت عربستان و دیگر کشورهای اسلامی - در قالب سازمان همکاری اسلامی - برای پیش‌گیری از وقایع مشابه در آینده.

البته عدم پذیرش مسئولیت و عدم انجام اقدامات مقتضی، تأثیری بر مسئولیت دولت عربستان نخواهد داشت، بلکه خود نقض مضاعف تعهدات ناشی از مسئولیت شرعی و بین‌المللی این دولت محسوب خواهد شد.

در عین حال پیشنهاد می‌شود دولت‌ها، نهادهای مردمی و بازماندگان قربانیان، همچنان مصرانه در جهت متقاعد ساختن دولت عربستان، به انجام تحقیقات با تشکیل کمیته حقیقت‌یاب، اگرچه توسط خود این دولت و با نظارت و مشارکت کشورهای ذی‌ربط و سازمان همکاری اسلامی، بکوشند. همچنین نسبت به انعقاد پیمان‌های مقتضی دوجانبه و چندجانبه - مانند منشور حقوق و تکالیف حاجیان و زائران - در مورد شناسایی و تضمین حقوق حجاج و چگونگی اداره حرمین شریفین و معاهده امداد و نجات و همکاری انسان‌دوستانه برای مقابله با حوادث احتمالی اقدام گردد و نیز ضمانت‌اجراهای مناسب و سازوکارهای قابل اعتماد به‌منظور پی‌گیری مسئولیت ناشی از قصور و تقصیرهای محتمل قابل انتساب به دولت میزبان، به‌ویژه در صورت بروز حوادثی همچون حادثه جرثقیل و منا، پیش‌بینی شود.

منابع

۱. آخوندان، الهام؛ «حادثه منا و حقوق بشر»؛ مندرج در: www.news.irib.ir/article/، ۱۳۹۴، رویت شده در ۱۳۹۴/۱۰/۲۴.
۲. ابن هشام، محمد؛ *السيرة النبوية*؛ ج ۲، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۹۷۱م.
۳. اسداللهی، سید ابراهیم؛ «قوانین و مقررات ضروری عربستان برای کارگزاران کشورهای اسلامی (کاربردی — عملیاتی)»؛ سازمان حج و زیارت، اداره آموزش و مطالعات کاربردی، مندرج در: [www.https://kargozaran.haj.ir/news/](https://kargozaran.haj.ir/news/GetFile.ashx?id=28d1be59-6d94-40e2)، ۱۳۹۱، [GetFile.ashx?id=28d1be59-6d94-40e2](https://kargozaran.haj.ir/news/GetFile.ashx?id=28d1be59-6d94-40e2)، رویت شده در ۱۳۹۴/۱۰/۲۶.
۴. باقری، حمید و غلامرضا متقی؛ *گزیده قوانین و مقررات عربستان سعودی* (در کثکول حج و زیارت)؛ تهران، سازمان حج و زیارت، دفتر بهسازی آموزش و فناوری، اداره آموزش و مطالعات، ۱۳۹۱.
۵. بحرانی، هاشم بن سلیمان؛ *تفسیر روایی البرهان*؛ ترجمه رضا ناظمیان، علی گنجیان و صادق خورشیا؛ ج ۳، تهران: کتاب صبح، ۱۳۸۹.
۶. الجمعية الوطنية لحقوق الانسان فی السعودیه، *التقرير السنوی الثانی*، ۲۰۰۹.
۷. خدوری، مجید؛ *جنگ و صلح در قانون اسلام*؛ ترجمه غلامرضا سعیدی؛ قم: کلبه الشروق، ۱۳۹۱.
۸. الرفاعی، یوسف؛ *النصيحة لإخواننا علماء نجد*؛ دمشق: دارالأقراء، ۱۹۹۹م.
۹. سربازی، محمد عمر؛ *زادالحقیر للحاج إلی بیت العلی الکبیر*؛ کراچی: ناشر اسحاقیه، بی تا.
۱۰. شاکریان، شاهرخ و شکوه فقیری؛ *مجموعه کنوانسیون‌های بین‌المللی* (تصویبی دولت ایران)؛ ج ۳، تهران: اداره کل قوانین و مقررات ریاست جمهوری (اداره چاپ

و انتشار)، ۱۳۷۸.

۱۱. ضیایی بیگدلی، محمد رضا؛ اسلام و حقوق بین‌الملل؛ ج ۴، تهران: کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۵.
۱۲. طبرسی، علی بن حسن؛ مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار؛ نجف اشرف: المكتبة الحیدریة، [بی تا].
۱۳. طحطاوی، احمد بن محمد؛ حاشیه طحطاوی (فقه اهل سنت، فقه حنفی)؛ قم: کتابخانه آیت الله نجفی مرعشی، ۱۳۳۱ق.
۱۴. طوسی، محمد بن حسن؛ المبسوط فی الفقه الإمامیة؛ تصحیح سید محمد تقی کشف؛ تهران: مکتبه المرتضویة، ۱۳۷۸.
۱۵. عمید زنجانی، عباسعلی؛ حقوق اقلیت‌ها، بر اساس قرارداد ذمه (بررسی گوشه‌هایی از مفاهیم حقوق بین‌الملل از نظر فقه اسلامی)؛ ج ۵، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۰.
۱۶. فیلی، هاری سانت جون؛ بعثة إلى النجد؛ ترجمه و تحقیق عبدالله صالح العثیمین؛ ج ۲، معاهدة مع ابن السعود، مکتبه العیبکان، الرياض، ۲۰۰۹.
۱۷. کارو، دومینیک؛ حقوق بین‌الملل عمومی؛ ترجمه مصطفی تقی زاده انصاری؛ ج ۲، تهران: نشر قومس، ۱۳۸۴.
۱۸. ماوردی، محمد بن حبیب؛ الحاوی الکبیر؛ بیروت: دارالفکر، ۱۴۲۰ق.
۱۹. مجلسی، محمد باقر؛ بحار الأنوار؛ ج ۶۴، بیروت: دار احیاء التراث العربی، [بی تا].
۲۰. محقق، علی؛ اسناد روابط ایران و عربستان سعودی (۱۳۰۴—۱۳۵۷)؛ ج ۱، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۹.
۲۱. «اللجنة الدائمة للبحوث العلمیة والافتاء»؛ مندرج در: www.aliifta.net/fatawa/fatawaDetail.aspx، ۱۹۹۶م، رویت شده در ۱۳۹۵/۲/۱۵.
۲۲. نجفی، محمد حسن؛ جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام؛ تحقیق و تعلیق شیخ عباس قوچانی؛ ج ۲۱، ج ۷، بیروت، دار احیاء التراث العربی، [بی تا].
۲۳. نصیری، محمد؛ حقوق بین‌الملل خصوصی؛ بازنگری، تنظیم و ویرایش مرتضی

- کاخی و مرتضی نصیری؛ چ ۳، تهران، مؤسسه انتشارات آگاه، ۱۳۷۵.
۲۴. نگوین، کک دین، پاتریک دپیه و آلن پله؛ حقوق بین الملل عمومی؛ ترجمه حسن حبیبی؛ تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۸۲.
25. Amnesty International Report, 2014-2015: The State of the World's Human Rights, By Amnesty International, Index number: POL,10/0001/2015.
26. Crawford, James, The International Law Commission's Articles on State Responsibility, Introduction, Text and Commentaries, Cambridge University Press, 2002.
27. Crawford, James, The International Law Commission's Articles of Responsibility of State for Internationally Wrongful Acts, A Retrospect, AJIL, vol.96, No.4, 2002, pp.874-890.
28. Crawford, James, State Responsibility: The General part, Cambridge University Press, 2013.
29. Crawford, James, Peed, Jacqueline, Olleson, Simon the International Law Commission's Articles on Responsibility of States for International Wrongful Acts: Completion of Second Reading, EJIL, vol.12 No.5, 2001, pp.963-991.
30. GA. Resolution, A 212/10 December.
31. <http://kargozaran.haj.ir/news/GetFile.ashx?id=2&d1bee59-6d94-40e2>
32. <http://rc.majlis.ir/fa/law/show/93477?keyword>
33. <https://www.amnesty.org/en/documents/po110/0001/2015/en/.25> February, 2015.
34. ICJ. Reports, 1951, at 23.
35. ICJ. Reports, 1970, at 32.

36. ICJ. Reports, 2001.
37. Murphy, Sean D., Implementation of Avena Decision by Oklahoma Court, 2009.
38. Quigley John, William J. Aceves & S. Adele Shank, 2010, The Law of Consular Access, Rutledge Research in International Law.
39. Shelton, Dinah L., Case Concerning Avena & Other Mexican Nationals (Mexico v. United States of America), AJIL 98 (3) July, 2008: 559-566.
40. Vienna Convention on Consular Relations, UN Conference on Consular Relations, Viena Austria 4 March-22 April, 1963, Document A/Conf.25/15.
41. www.al-jazirah.com/2010/20100403/pl1.htm.
42. www.bbc.com/Persian/world/2015/09/150924-147-vid-haj-incidents-timeline.
43. www.dadnegar.ir/Saudi-Arabia/
44. www.hawzah.net/fa/magazine/view/4789/4825/42659.
45. www.ibtimes.co.in/haj-stampede-2015-timeline-deadliest-accidents-during-muslim-pilgrimage-mecca-647891
46. www.news.irib.ir/articles.
47. www.oic-oci.org/oicv3/2lan=en
48. www.peac-ipsc.org/fa/
49. [www.qura-islam-org/main-topics/islam/pillars/al-hajj/stoning-tragedies- \(p.1321\) html](http://www.qura-islam-org/main-topics/islam/pillars/al-hajj/stoning-tragedies- (p.1321) html).
50. www.Saudiembassy.net/about/country-information/Laws/theBasic-Law-of-Governance.